**وجه تسميه روز عرفه**

**
وجه تسميه روز عرفه**

**مقدمه:**

روز عرفه از ايام باشكوه و عظيم است. روزي است كه در‌هاي آسمان را براي پذيرش تضرع‌هاي عاشقانه‌ بندگان ذات اقدس اله مي‌گشايند و باز هم آن فاعل بالعشق خواهان بازگشت اشرف مخلوقاتش به بارگاه امن‌اش است . آري باز هم فرصت براي بازگشت انسان به اصل و جايگاه اعلي اوليه‌اش را فراهم مي‌كنند، چقدر بزرگوارند و بزرگوارانه رفتار مي‌كنند. چقدر ظلم كرديم! چقدر ناديده گرفتيم آن همه رحمت را! ولي باز هم مي‌خوانندمان، دعوتمان مي‌كنند و مي‌خواهند همچو شب قدر به ارزش و منزلت خود نائل شويم. آري روز عرفه، روزي است كه حق تعالي بندگان خويش را به عبادت و اطاعت خود دعوت كرده و از آن سوي سفره جود خود را براي آنها گسترانيده است.
شيطان را در اين روز در غل و زنجير مي‌كشد و باز هم زمينه پيروزي انسان را بر نفس فراهم مي‌كند. امام صادق (ع) فرموده‌اند: اگر شخص گناه‌كاري نتواند در شب‌هاي قدر خود از قدر و منزلت خود به نحو احسنت استفاده كند و بهره گيرد، مي‌تواند در اين روز از امتيازات برخورداري از رحمت الهي برخوردار شود.1

**وجه تسميه روز عرفه:**

1. آورده‌اند كه: زماني‌كه جبرييل مناسك حج ابراهيمي را به ابراهيم خليل‌الله مي‌آموخت، چون به عرفه رسيد به او گفت: (عرفت) و او پاسخ بلي را داد - لذا به اين نام خوانده شد.
2. همچنين آورده‌اند كه: مردم از اين جايگاه به گناه خود اعتراف مي‌كنند و بعضي آن را از جهت تحمل و صبر و رنجي مي‌دانند كه براي رسيدن به آن بايد متحمل شوند، چرا كه يكي از معاني «عرف» صبر و شكيبايي است.2
3. همچنين در روايتي آمده كه آدم و حوا پس از هبوط از بهشت و آمدن به كره خاكي در اين سرزمين يكديگر را يافتند و به همين دليل عرفات و اين روز عرفه نام گرفته است.3

پيشينه‌ وقوف در عرفات:

عرفات جمع عرفه به معناي شناخت است و از آنجا كه آن‌جا وادي شناخت و معرفت خدا و نفس و خود است، عرفات نام گرفته.

**الف) حضرت آدم و عرفات:**

«فتلقي آدم من و به كلمات فتاب عليه انه هو التواب الرحيم»
- آدم از پروردگارش كلماتي دريافت داشت و با آن به سوي خدا بازگشت و خدا توبه‌ او را پذيرفت؛ چرا كه او توبه پذير است. طبق روايت اما صادق (ع)، آدم پس از خروج از جوار خدا و فرود به دنيا چهل روز هر بامداد بر فراز كوه صفا با چشم گريان در حال سجود بود، جبرييل برآدم فرود آمد پرسيد: چرا گريه مي‌كني؟ گفت: چرا گريه نكنم در حالي كه خداوند مرا از جوار و بارگاهش بيرون راند و در دنيا فرود آورد.
جبرييل گفت: اي آدم، به درگاه خدا توبه كن و به سوي او بازگرد آدم گفت چگونه توبه كنم؟ جبرييل او را در روز 8 ذي‌حجه به مني برد، آدم شب را در آنجا ماند و صبح با جبرييل به عرفات رفت. پس از نماز عصر آدم را به وقوف در عرفات واداشت و كلماتي را كه از پروردگار دريافت كرده بود به وي تعليم داد. بگو اي آدم:
سبحانك اللهم و بحمدك لااله‌الاانت عملت سوء و ظلمت نفسي و اعترفت بذنوبي اغفرلي انك انت الغغور الرحيم.
آدم تا هنگام غروب آفتاب همچنان دستش به آسمان بلند بود و با تضرع اشك مي‌ريخت، وقتي كه آفتاب غروب كرد، همراه جبرييل روانه مشعر شد و شب در آنجا وقوف كرد و صبح‌گاهان با كلماتي به دعا پرداخت و به درگاه خدا توبه كرد و خدا توبه او را پذيرفت چرا كه او توبه‌پذير است.
همين مطلب را شيخ صدوق در كتاب «امالي» در روايتي از امام حسن (ع) نقل مي‌كند كه آن حضرت فرموده است: شخصي يهودي خدمت رسول خدا آمد، او از افراد داناي يهود بود از پيامبر سؤالاتي نمود، يكي از سؤالاتش به اين قرار بود، چرا خداوند به بندگانش امر نمود تا بعدازظهر در صحراي عرفات وقوف نماينده پيامبر اكرم(صلي‌الله‌عليه‌و اله) فرمودند: ساعتي است كه حضرت آدم (ع) در آن ساعت مرتكب معصيت (گناه اولي) شد و خداوند بر امت من واجب نمود تا در بهترين مكان‌ها وقوف نمايند و نزد او تضرع و دعا نمايند تا بهشت را مجدداً در اختيار آنها نهد و آن ساعتي كه مردم از عرفه مي‌روند يعني مغرب،‌ ساعتي است كه حضرت آدم (ع) در آن ساعت از خداوند خويش سخناني را فرا گرفت و خداوند با رحمت خود بر او بازگشت و توبه را پذيرفت (چرا كه توبه‌پذير و مهربان) است.
و ايشان فرمودند: به خدا قسم كه براي آسمان‌ها دري است از رحمت و توبه و حاجات، احسان و كرم و بخشش و تمام كساني كه در عرفات اجتماع مي‌كنند شايسته‌ اين صفات هستند.
زماني‌ كه آنها مي‌خواهند از صحراي عرفه خارج شوند خداوند ملائكه‌اش را گواه مي‌گيرد كه همه آنان را از آتش جهنم نجات دادم و بهشت را بر آنان واجب گرداندم.

**ب) حضرت ابراهيم در عرفات:**

در صحراي عرفات جبرييل پيك وحي الهي، مناسك حج را به ابراهيم(ع) آموخت و ابراهيم(ع) هر يك از مراحل آن را با خلوص و عابدانه برپا داشت و نداي عرفت را در آن سرزمين سر داد.
ج) صحراي عرفات همايش شناخت و خودسازي سرور شهيدان عالم حسين‌بن علي (ع):
امام حسين (ع) در بعدازظهر روز عرفه همراه با فرزندان و ياران خود در صحراي عرفات وقوف كرد. وي در آنجا بزرگترين همايش خودسازي و شناخت را در قالب ژرف‌ترين كلمات به ظهور رسانيد.
سخناني كه از اعماق وجودش نشأت مي‌گرفت آن‌چنان والاست كه آدمي را به تفكر وا مي‌دارد، برخي از موضوعات آن به شرح زير است:
1- ايشان دعاي خود را با ستايش خداوند آغاز مي‌كند، ستايشي زيبا و يكتا.
«ستايش خداوندي را سزاست كه چيزي قضايش را دور نمي‌سازد و از اعطا و بخشش او جلوگيري نمي‌كند و هيچ آفريننده‌اي آفرينش او را ندارد و او سخاوتمندي بي‌انتهاست»
2- بيان گوشه‌اي از نعمت‌هاي بي‌پايان خداوند كه انسان را درتمام مراحل رشد تكامل دربر گرفته و ياد از مهر مادر و مواظبت و پرستاري آنان را از الطاف خداوند مي‌‌شمرد.
3- به شكر نعمت‌هاي الهي اشاره مي‌كند و خود را از اداي يك شكر نيز عاجز مي‌داند.
4- استغفار و انابه عاجزانه به درگاه خداوند و طلب مغفرت از بارگاه حق تعالي.
هر فرازي از اين دعا دريچه‌اي از عشق و نور و محبت و توحيد را در دل انسان مي‌گشايد. ايشان با اين دعا در صدد است انسان و خدا را بشناساند و نزديكي آن دو را به هم نمايان كند. اين نيايش منطقي‌ترين رابطه خدا با انسان را توضيح مي‌دهد. ايشان با همه وجود حضور خداوند و احاطه و اشراف او به همه ذرات هستي و نفوذ علم و قدرت و حيات او را به تك‌تك ذرات و موجودات عالم مشاهده مي‌نمايد و آن چه را مي‌بيند بر زبان مي‌راند.
5- فراگيري راه تعليم و تربيت از خدا
6- شناخت و درخواست بهترين مسألت‌ها.
7- تعليم مفاهيم و ادبيات قرآن.

***پي نوشت :***

1. كافي، ج 2، صفحه 66
2. فرهنگ دهخدا، ج 10، ص 15818
3. رسول جعفريان، آثار اسلامي مكه و مدينه، نشر مشعر
4. مفاتيح الجنان

منبع:www.ido.ir